

دکترای حقوق

# حقوق بخوانید تا از حقوق خود آگاه شوید

## گفت‌وگوی اختصاصی هاتف با علی حاجی‌پور

## دکترای حقوق دانشگاه سوربون فرانسه و شاگرد مکتب لویی فاورو، استاد فقید حقوق فرانسه

**تحصیلات مقدماتی را در ایران گذراند اما بلندپروازی ها و زیاده‌طلبی‌های علمی به او اجازه ندادند تا همینجا کار را تمام کند. باید به محیطی علمی می‌رفت تا بتواند شوق و میل بیش از حد به دانستن را در خود فرونشاند و آنقدر بیاموزد تا بتواند از آموخته‌هایش در کمک به بشریت و بهبود وضعیت زندگی مردم استفاده کند. به فرانسه رفت و به دانشگاهی که شنیدن نامش قند را در دل خیلی‌ها آب می‌کند. سوربون! حاجی‌پور همینطور در فرانسه و در مکتب بزرگ‌ترین استاد حقوق اساسی فرانسه شاگردی کرد و بهترین روزها را گذراند. تک‌تک خاطراتش با پروفسور لویی فاورو را با آب و تاب و هیجان بسیاری نقل می‌کند و زمانی که به یاد می‌آورد او مدت‌هاست دیگر در کردی خاکی زیست نمی‌کند، او نیز روح و روان خود را به دنیای دیگری بر می‌دهد. از عشق به استادی سخن می‌گوید که هرگز نمی‌تواند فراموشش کند. دکتر علی حاجی‌پور دکتری حقوق سوربون فرانسه می‌خواهد سال آینده به وطنش باز گردد…**
**کورش ضیابری**



سوال - جناب حاجی پور، کمی از سوابق خود بگویید. چه طور شد که برای تحصیل به فرانسه رفتید و سوربون را انتخاب کردید؟
اصلا چرا حقوق؟

بهرتر است سوال شما را از آخر به اول جواب دهم. چرا حقوق؟ زمانی که دانش آموز دوره راهنمایی بودم، به ادبیات، فلسفه و باستانشناسی علاقه زیادی داشتم.

درسال سوم راهنمایی ، میبایست کم کم آماده میشدم تا برای تحصیل در دبیرستان، از رشته‌های موجود یکی را انتخاب کنم. در آن دوران در کنار مطالعات موردعلاقه به مرور باوقیعات محیط پیرامون خود نیز آشنا می‌شدم.

به دنیا آمده و بزرگ شده‌ی ل رستان هستم، زمانی که دنیای اطرافم را اندک اندک میشناختم، می‌دیدم وقتی گفتن نفر دورهم جمع میشوند، بیشتر صحبت از ستم‌هایی می‌کنند که بر آنها می‌رود. اینکه آدم‌های قوی تر بر آدم‌های ضعیف تر دستبازی و ستمگری می‌کنند. بین واقعیات باورهایای معصومان من با دنیایی که بیشتر از راه مطالعه ویا راه داستانهائی که درماد در بچگی برایمان تعریف می‌کرد، فاصله داشت.

همواره حسی در من بوده و هست که دوست دارم در بهتر شدن دنیا کمک کنم، به خیر کمک کنم و در برابر شر بایستم. از این رو، وقتی با واقعیات خشن آشنا شدم، همچون شوینپهاور و بودا، اندیشیدن به مرد را به خود فرو بردم و از آرزوهای شخصی‌ام بی‌داشتم.

به هر حال، در همان دوره راهنمایی برای اینکه باوری‌هر چند کوچک و اندک برای خیر باشم، دست از تعقیب علایق شخصی‌ام برداشته و علاقه مند شدم رشته ای بخوانم که از طریق آن بتوانم قاضی شوم و حق ستمدیدگان را از ستمگران بگیرم و یا وکیل شده و کالت ضعفا را در برابر اقویا بر عهده گرفت و لیخند رضایت را بر لب و اشک شادی را بر چشمم ضغفا بنشانم.

مصمیم خودم را گرفته بودم و سال سوم راهنمایی ، از معلمانم می پرسیدم برای قاضی یا وکیل شدن باید در چه رشته ای ادامه تحصیل دهم؟ گفتند رشته علوم انسانی، گرایش فرهنگ و ادب، و اینکه نه به حقوق کشانده شدم.

ری اگر این درد اجتماع نبود، شاید به جای رشته حقوق، به دنبال آموختن یکی از علایق شخصی‌ام می‌رفتم یعنی ادبیات، فلسفه یا باستانشناسی.

همان سال اولی که کنکور شرکت کردم، در رشته حقوق دانشگاه تهران قبول شدم، در دانشگاه هر چه بیشتر می‌خواندم، بیشتر پی می‌بردم که چقدر این رشته را دوست دارم. از بین رشته‌های تخصصی حقوق، از حقوق عمومی بیشتر خوشم آمد. رشته ای که بربرسی انواعه حاکم بر روابط دولت با شهروندان و نیز قواعد حاکم بر روابط درونی خود دولت می‌پردازد.

در رابطه دولت و شهروند، دولت قوی است و شهروند ضعیف و از این روست که شهروند در پی حقوق بشر و شهروندی است تا هر چه بیشتر بتواند از طریق این حقوق، خود را از یگزند زیاده روی های قدرت دولت مصون نگه دارد. یکی از دلالت علاقه مندی ام به حقوق عمومی، این بود که ستم دولت بر شهروند را مهمتر از ستم شهروندی بر شهروندی دیگر می‌دانستم. از این رو بود که به زودی حقوق عمومی را به عنوان زمینه تخصصی برای مطالعات آینده برگزیدم، زیرا اگر می‌خواستم در رفع ستم قدمی بردارم باید در رفع ستم بزرگتر می‌کوشیدم، ستمی که در نظام‌های حکومتی دنیا، دولت بر شهروندی می‌کند. سال ۷۵ همزمان که دوره کارشناسی حقوق را تمام کردم در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کردم و با رتبه اول، در رشته حقوق عمومی دانشگاه تهران قبول شدم. سال ۷۷ کارشناسی ارشد را تمام کردم. مناسفانه در آن زمان هنوز دوره دکتری ای رشته در ایران وجود نداشت. طبیعیا می‌بایست با دانشگاه خداحافظی می‌کردم ولی برایم امکان پذیر بود. جاذبه محیط علمی دانشگاه مرا به شدت جذب کرده بود. چاره ای جز اندیشیدن به ادامه تحصیل در خارج از کشور نداشتم. با دانشگاههای مختلفی در خارج از کشور مکاتبه کردم و در نهایت موفق به دریافت بورس فرانسه برای دوره دأ (D.E.A) و رساله دکترا شدم. کشور فرانسه تا امروز برای حقوقدان های ایرانی مناسب ترین کشور و مادر حقوق تلقی شده‌است. شرکت کردم و در کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم.

در جمله دانشگاههایی که با آنها مکاتبه داشتم، دانشگاههای فرانسوی بودند. این دانشگاهها در پاسخ هایشان من به یادآوری می کردند که برای بورس فرانسه باید به سفارت فرانسه در کشور محل اقامت مراجعه کنم. به بخش فرهنگی سفارت فرانسه مراجعه کردم و درهمان سال موفق به دریافت بورس فرانسه برای دوره دأ (D.E.A) و رساله دکترا شدم. کشور فرانسه تا امروز برای حقوقدان های ایرانی مناسب ترین کشور و مادر حقوق تلقی شده‌است. اکثریت بالائی از اساتید مطرح ایران در رشته حقوق، از فرانسه فارغ التحصیل

دکترای حقوق در دانشگاه سوربون فرانسه

شده اند. بنابراین میتوان گفت فرانسه سرزمین آرزوهای حقوقدان های ایرانی است. باتحقیقاتی که روی اینترنت کرده بودم و ترجمه‌هایی که جدیدا از حقوق اساسی فرانسه شده بود، با نام استادی به نام پرفسور لویی فاورو آشنا شدم. خیلی علاقه مند بودم تا در محضر ایشان دانشجوی باشم. وی در دانشگاه آکس-مارسی ۳در شهر آکس آن پرووانس در جنوب فرانسه تدریس می‌کردند. در این دانشگاه پذیرفته شدم. دوره داأ(D.E.A)را در این دانشگاه سپری کردم، رساله پایان دوره را با استاد فاورو گذراندم، رساله دکترا را نیز با ایشان گرفتم، مناسفانه اول سپتامبر سال پیش، استاد فاورو از دنیا رفت. با رفتن استاد، هم از لحاظ روحی، ماندن در دانشگاه آکس-مارسی بدون وجود او برایم دردآور بود و هم اینکه استاد متخصصی که بتواند استاد راهنمای رساله دکترایم باشد در دانشگاه پاریس ی (پانتئون - سوربون) بود، لذا بنا به این دلالت، بعد از درگذشت استاد فاورو، به دانشگاه سوربون رفتم.

سوال - بارها در نوشته های خود، از استادی فرانسوی نام بردید که پدر حقوق اساسی فرانسه می‌خواندیش و معتقدیک رابطه ی معنوی و عاطفی عمیق با وی دارید. کمی بیشتر این استاد را معرفی کنید و از این عشق و علاقه ی قلبی بگویید.

همانطور که در جواب سوال پیشین گفتم، وقتی به فرانسه آمدم خیلی علاقه داشتم شاگرد مکتب استاد لویی فاورو باشم. لذا به دانشگاهی که ایشان درس می داد آمدم و بسیار به ایشان نزدیک شدم. وی بزرگترین استاد حقوق اساسی فرانسه و پایه گذار حقوق اساسی نوین بود و به عبارتی می‌توان گفت که حقوق اساسی فرانسه با نام ایشان همراه است. از نزدیک وجود این استاد بزرگ را درک کردم آنهم نه به عنوان دانشجویی از بین هزاران دانشجویش بلکه در قالب رابطه عمیق و نزدیک استاد وشاگرد. توضیح آنکه در دوره داأ(D.E.A)، تنها دانشجویی بودم که ایشان راهنمایی رساله اش را پذیرفت (سال ۲۰۰۲). همچنین وقتی بعد از اتمام دوره داأ(D.E.A) نزد ایشان رفتم برای گرفتن توصیه نامه ای برای استادی دیگر در حقوق مالی، استاد فاورو از من خواست ، در حقوق اساسی بمانم، وقتی من بیان کردم که کشورم ایران به متخصص حقوق مالی نیاز دارد و …، ایشان گفت که در عمرش کمتر چنین پیشنهاداتی کرده است و توصیه کرد که در حقوق اساسی بمانم. به باور ایشان من در زمینه حقوق اساسی نظریات و حرفهائی برای گفتن دارم.

از این رو بنا به توصیه استاد، موضوع رساله دکترایم را در حقوق اساسی برگزیدم. این بار نیز تنها دانشجویی بودم که استاد فاورو راهنمایی رساله دکترایش را . آنهم به پیشنهاد و سفارش خود . پذیرفته بود (سال ۲۰۰۳).

این بود که در حقوق اساسی ماندم و امیدوارم بتوانم همان باشم که استاد فاورو باور داشت و در راهی حرکت نمایم که استاد توصیه و اصرار داشت.

به خاطر رابطه عمیقی که با استاد داشتم، از نزدیک ویژگی های انسانی، اخلاقی و علمی ایشان را درک کرده ام و از این رو می‌گویم : استاد فاورو نه تنها استاد در زمینه علمی بود بلکه خداوندانگار اخلاق نیز بود. به همه احترام می‌گذاشت. همیشه لیخند و آرامش برا او حاکم بود با این حال وقتی انسان به او نزدیک می‌شد می‌دید در وی این آرامش، در درون ایشان لحظه لحظه امواج سهمگین اندیشه در جریانند. استاد همیشه و بی وقفه می‌اندیشید.

در فرانسه، لاقل در رشته حقوق رسم است که دانشگاه سوربون، اساتید برجسته را دعوت می‌کند که برای تدریس و عضویت در هیات علمی به آنجا روند. استاد فاورو به قول آقای دیدیه موس ، رئیس کنونی انجمن حقوق اساسی دانان فرانسه .به جواب های سوربونی ها جواب مثبت نداد، در شهر کوچک آکس آن پرووانس ماند و مکتبی را تأسیس کرد که بر حقوق اساسی فرانسه تاثیر فراوانی گذاشت.

استاد فاورو در خلاف جریان حاکم بر اساتید حقوق، متمرکز بر کار شخصی و فردی نشد بلکه با اعتقادی که به کار گروهی داشت، گروهی را تحت عنوان ”مرکز مطالعات دادرسی دستوری ”تشکیل داد، در حال حاضر استاد فاورو در میان مانیست ولی گروه او هست، از این رو می‌گویم فاورونی رفت (شخص استاد فاورو) و فاورونی ماند (گروه مذکور که رسما به ”مرکز فاورو“ تغییر نام داده است).

این گروه تحت نظر استاد فاورو نشریه فرانسوی حقوق اساسی و سالنامه دادرسی دستوری وبنیادی ترین کتابهای حقوق اساسی انتشارات دالوز را منتشر و دوره های بین المللی حقوق اساسی و کنگره های بین المللی دادرسی دستوری را برگزار می‌کرد.

اینکه یک استاد بزرگ، اینکه نه به دانشجویان خود بها داده، گروهی تشکیل دهد و کار گروهی کند، نشان از بزرگ بودن روحش دارد، روحی که از خودخواهی ها بسیار به دور است. کار گروهی جنبه های مثبت فراوانی دارد اما من در اینجا فقط به عنوان مثالی از اخلاق والای استاد فاورو به آن اشاره کرده ام.

من وقتی برای اولین بار در اکتبر ۲۰۰۱ خدمت استاد رسیدم، در وضعیتی بودم که به خاطر شکستگی شدید پای چپم، با دو عصا راه می‌رفتم و از لحاظ فیزیکی بسیار ضعیف شده بودم؛ با پای در گچ و ساک بر دوش و دو دست در عصا و قیافه خسته و ضعیف خدمت ایشان رسیدم. برایم گفت که برهنده دانشجویی ام را مطالعه کرده است و علی رغم این وضعیت، این اندازه اشتیاقم برای آموختن ، برایشان جالب بود.

همواره وقتی با ایشان کلاس داشتم، پیشم می‌آمد و وضعیت پایم را جویا می‌شد. یک بار زنگ تفریح (معمولا از کلاس ۲ ساعت، وقتی یک ساعت و نیم می گذرد زنگ تفریح ۵ دقیقه ای وجود دارد و بعد، ۱۵ دقیقه باقیمانده وقت ادامه می‌یابد)، استاد آمد و وضع پایم را پرسیدم. گفتم آرام آرام دارم خوب میشود ولی وقتی در کلاس می‌نشتم و پایم را روی زمین می‌گذارم جریان خون در پایم قطع شده و منورم می‌گردد، استاد گفت پایتان را روی یک صندلی بگذارید، گفتم این کار بی حرمتی به شما و کلاس است. ایشان گفت نه، این کار را بکنید. زنگ تفریح که تمام شد، همه نشسته بودیم، استاد وارد کلاس شد و رفت از گوشه کلاس یک صندلی چرمی برداشت و یواش یواش آورد و جلوی پای من گذاشت و گفت پایتان را روی ای صندلی بگذارید. این کار برایم شدنی نبود چون دقیقا به شکلی بود که پایم به سمت استاد دراز می‌شد و او آنجا که نزدیک استاد می‌نشتم، عمل خیلی به چشم می‌آمد، ولی استاد اصرار داشت. وضعیتی بود که اگر خودداری من چند ثانیه دیگر طول می‌کشید، خود استاد پایم را می‌گرفت و می‌گذاشت روی صندلی. از این جهت، علیرغم میل باطنی ام، پایم را روی صندلی گذاشتم، پایم در این حالت به سمت استاد و در فاصله چند سانتی ایشان بود. سکوت عجیبی بر کلاس حاکم بود، این است. استاد دانشجویان را به شدت نگران داده بود. هیچ وقت این صحنه یاد نمی‌رود که استاد با آن بی‌پری و کهولت خود، آرام آرام صندلی را می‌آورد.

انساندوسنی استاد، حکایتی نبود که بر کسی پوشیده باشد، لیخند های او که بوئی از حاکمیت ابدی خوبی بر بدی و نراش، از آرامش همیشگی داشت، ویژگی ایشان بود.

همیشه وقتی مطلبی را بیان می‌کردی، چون چند دانشجوی خارجی در کلاس بودند از یوان و تایلدن و مراکش و روسیه و …، مطلب را توضیح بیشتری می‌داد و می‌گفت برای اینکه دوستان خارجی مان نیز بحث را بهتر درک کنند.

رفتارهای استاد به گونه ای بود که تداعی گر مفهوم انسان کامل بود، آن انسانی که مولوی می‌گوید

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد مولوم و انسانم آرزوست
گفتندی یافت می‌نشود جسته ایم ما گفت آنچه یافت می‌نشود آرزوست

آری، استاد فاورو از زمره نادر انسانهای کامل بود. تمام ویژگی های خوب اخلاقی در وجود ایشان بود، همیشه به دوستانم می‌گفتم که ایشان منبع تمام خوبی ها و نشانه ای از خداست، آیت واقعی خدا، کسی که با دیدنش، میشد خوبی مطلق و خداوندگار را دید. استاد فاورو با اینکه خداوندگار دانش بود، اما هیچ وقت از مقام بالای علمی اش برای پشت پا زدن به اصول اخلاقی استفاده نکرد.

برای این مساله مثالی میزنم: در کنگره حقوق اساسی دانان فرانسه در تابستان ۲۰۰۳ که مثل هر سال در آکس آن پرووانس تشکیل شد، یکی از عمده ترین بحث ها راجع به پدیده رای الکترونیک و چگونگی برخورد حقوق اساسی دانان با آن بود. استاد فاورو در آنجا با آنکه شاید ميتوانست همانند برخی اساتید که مناسفانه کار علمی دانشجویان را به نام خود مصادره می‌کنند، رساله پایان نامه مرا که چند روز پیش، تحت عنوان ”رای الکترونیک از راه دور“ با ایشان دفاع کرده بودم، به نام خود مصادره کند و نتایج علمی ای را که به دست آورده بودم بدون اشاره ای به من بیان کند و همگان هم تصور کنند این حاصل کار خود

دکترای حقوق در دانشگاه سوربون فرانسه

# حقوق بخوانید تا از حقوق خود آگاه شوید

## گفت‌وگوی اختصاصی هاتف با علی حاجی‌پور

دکترای حقوق در دانشگاه سوربون فرانسه

استاد فاورو است، اما در آنجا از رساله من نام برد و از آن تمجید کرد و حقوق اساسی دانان را به مطالعه آن دعوت کرد. زنگ استراحت کنگره، وقتی استاد مرا دید، چشم هایش از خوشحالی باز شد و راجع به صحبتشان با من حرف زد.

استاد فاورو انسانی بزرگ بود که من شخصا تاثیرات زیادی از ایشان گرفته ام. بعد از درگذشت ایشان، به اندازه ای فقدان وی در دانشگاه برایم نکان دهنده و رنج آور بود که از آنجا به دانشگاه سوربون رفتم، استاد راهنمای کنونی ام در نامه ای به من نوشت که استاد فاورو را به نیکی می‌شناخته است و درک می‌کند فقدان ایشان چه تاثیری بر روح من گذاشته است.

آشنائی من با استاد فاورو .همانگونه که بسیاری از بزرگترین اساتید حقوق اساسی در فرانسه نیز در مورد آشنائی خود با استاد فاورو می‌گویند. بزرگترین شانس زندگی من بوده است. سالهای سال نیاز است تا لاقل بتوانم تاثیراتی را که از این آشنائی گرفته ام، درک کنم.

همانگونه که می‌دانید، عنوان وبلاگ من ”آخرین تزار“ است، تزار(Thsard) در زبان فرانسوی یعنی دانشجوی دکترا که در زمان تدوین رساله دکترایش است. من آخرین تزار استاد فاورو بوده‌ام و امیدوارم همواره زنده کشنده یاد این بزرگ باشم و بتوانم همانگونه‌که می‌خواستم، در حقوق اساسی ادامه دهنده راهش باشم.

فلا سایت فرانسوی حقوق اساسی http://www.droitconstitutionnel.com/ را مزیین به نام ایشان کرده ام.

سوال - زبان فرانسه زبان دشواری است، آنرا چگونه آموختید؟

زمانی که بورس دولت فرانسه به من اعطاء شد، زبان فرانسه را تنها در حد اصطلاحاتی از قبیل ”سلام“، ”حال شما چطور است؟“ و ”خداحافظ“ بلد بودم؛ از این رو بر خلاف دیگر کاندیداهای دریافت بورس که به اندازه کافی زبان فرانسه را مسلط بودند، اما من از این زبان چیزی نمی‌دانستم و لذا مصاحبه ای که در بخش فرهنگی سفارت فرانسه دادم به زبانهای انگلیسی و فارسی بود.

بعد از دریافت بورس، در همان بخش فرهنگی سفارت فرانسه، سه روز در هفته کلاس زبان فرانسه برگزار میشد، متاسفانه به علت مشغله های کاری نتوانستم در بسیاری از جلسات آن کلاس ها شرکت کنم. اگر مدت حضور و بهره بردن از این کلاس ها را جمع کنم، حدود یک ماه و نیم می‌شود.

من قبل از شروع کلاس های دانشگاه به فرانسه رفتم تا از این فرصت برای یادگیری زبان فرانسه در موسسه زبانCAVILAM http://www.cavilam.com/در شهر ویسلی استفاده کنم. وقتی به این موسسه رفتم، با توجه به عدم آشنائی کافی با زبان فرانسه، در امتحان تعیین سطح، در کلاس ۲ از سطح مقدماتی پذیرفته شدم. همکلاس کسانی شدم که یادگیری زبان فرانسه را از یک ماه پیش از صفر شروع کرده بودند. یعنی آن یک ماه و نیم که در ایران زبان کار کرده بودم، عملا معادل شد با یکماه زبان آموزی در موسسه مذکور. در منزلی که اتاق گرفته بودم، یکسر تابلیدی همسایه ام بود. با او آشنا شدم. از قضا او هم در همان دانشگاه، رشته و کلاس من دانشجوی می‌شد. او قریب به یکسال بود که در فرانسه بودو در آن موسسه زبان فرانسه می‌آموخت. وقتی فهمیدم که یکماه و نیم زبان فرانسه آموخته ام، به من گفت که با این مقدار نمی‌توانی از عهده درس های دکتری حقوق و خصوصا در مکتب استاد فاورو بر آیی.

با شنیدن این حرف، با خودم فکر کردم دویدم راست می‌گوید با این مقدار زبان نمیشود دانشگاه رفت و خصوصا رشته حقوق آموخت، رشته ای که با بیان مفاهیم آموخته میشود. با خودم گفتم با باید شکست خورده به ایران برگردم با اینکه بمانم و زبان فرانسه را با شدت تمام بیاموزم. از خودم پرسیدم این دوست تابلیدی ام که یکسال اینجااست، در این مدت چقدر لغت یاد گرفته‌است که اینک نسبتا راحت است؟ برای یافتن جواب، استاندارد ۱۵ لغت در روز گذاشتم؛ تااینجا ۳۵۵ روز اینجااست و روزی ۱۵ لغت یاد گرفته است، نتیجه: ۵۲۷۵لغت. خوب، من فقط دوماه فرصت دارم، بنابراین: ۵۲۷۵ تقسیم بر ۶۰(تعداد روزهای دوماه)، نتیجه: روزی ۹۱لغت. یعنی من در این دوماه باید روزی ۹۱ لغت می‌آموختم تا همانند این دوستم بتوانم درس های دانشگاه را بفهمم.

این از چگونگی حل مشکل دامنه لغات. میماند در مشکل دیگر، دستورزبان و مکالمه. اگر فقط لغت یاد گرفته‌ای می‌کردم و دستورزبان و مکالمه را در همان حدی که بلد بودم می‌ماندم، این کار عملی بی‌هوده بود. لذا تصمیم گرفتم که هر شبانه روز علاوه بر حفظ ۹۱ لغت، در منزل دستورزبان نیز بخوانم تا همواره از معلم در خواست کنم تا توجه به اینکه دستور زبان این درس ها را یاد گرفته ام اجازه دهد به سطح بالاتر بروم. برای مکالمه نیز هر روز چندین درس ساعت در لابراتوار موسسه، نوار مکالمه گوش می‌کردم و فیلم های ویدئوی آموزشی می‌دیدم.

این روند در ابتدا کند بود، در ابتدا در حدود ۵۰لغت در روز حفظ می‌کردم، اما به تدریج و با تکرار و عادت، این تعداد بیشتر شد و روزی ۷۵، ۸۰، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۵۰ و گاهی اوقات روزی ۲۰۰لغت و بیشتر می‌شد. شیوه کار به این ترتیب بود که هر بار هر چند لغت فرانسه می‌خواند و در دفترچه‌ای می‌کردم و لغاتی را که احساس می‌کردم کاربرد زیادی دارند، استخراج کرده و در دفترچه‌ای که به این کار اختصاص داده بودم می‌نوشتم. خوشبختانه رشد خوبی داشتم. به اندازه ای لغت و دستورزبان و مکالمه آموختم و کلاس ها را با موافقت معلمان برای ارتقاء تغییر می‌دادم که روزی بالاخره به کلاسی رفتم که دوست تابلیدی ام با یکسال سابقه، آنجا بود. او از ورود من بی نهایت تعجب کرد، فکر کرد من کلاس را اشتباه گرفته ام. ولی وقتی معلممان مرا به عنوان عضو جدید کلاس معرفی کرد، فهمید که من کلاس را اشتباه نرفته‌ام.

متاسفانه همواره چرخ روزگار مواقف اراده انسان نمی‌چرخد. یکماه و چند روز از شروع زبان آموزی در موسسه نگذشته بود که یک روز عصر وقتی از پله های مارپیچ و ناجور موسسه پائین می‌آمدم، زمین خوردم و بعد از چند غلت بر پاگرد افتادم.

در ابتدا فکر کردم آسیب ندیده‌ام، بلند شدم تازه بروم دیدم پای چپم همراهی ام نمی‌کند، با نگرانی به پایم نگاه کردم، دیدم شکسته شده و ۱۸۰ درجه چرخیده و بر عکس شده است!

بعد از عمل جراحی نسبتا طولانی در بیمارستان، در حدود ۱۵روزه بیون بستری شدم، در ای مدت علیرغم درد شدید ناشی از شکستگی پا و آسیب های دیگر، به زبان آموزی ام ادامه می‌دادم. هر شبانه روز همچنان همان تعداد لغت حفظ می‌کردم، دستور زبان را تقویت می‌کردم و ….

بعد از اولین جلسه کلاس در دانشگاه، دوست تابلیدی از من پرسید چند درصد مطلب استاد فاورو را فهمیدی؟ من سوال را به خودش برگرداندم، گفت که ۳۰درصد آنرا فهمیده است، من گفتم که در حدود ۸۰درصد آنرا فهمیده‌ام.

این بود شیوه زبان فرانسه آموزی من .

سوال - سالهاست که در فرانسه به سر می‌برید. خواه ناخواه یک ایرانی هستید و در دیار غربت برای هر ایرانی که از عاطفی ترین مردم دنیاست نیز خال روحی و روانی ایجاد می‌شود. این خلا را چگونه بر می‌کنید؟ هیچکدام از خیابانهای پاریس هستند که شما را یاد کوچه پس کوچه های لرستان بیننداز و وضعیت نوستالورژیک روح و روان شما آنسوی آب چگونه است؟

در ده سال پیش که وسایل ارتباطی به کیفیت امروز وجود نداشتند، اوضاع خیلی فرق می‌کرد. ایان با اینترنت و تلفن تقریبا آزان، همیشه با ایران در ارتباط هستم و هر وقت هم بخوام به ایران بروم، فقط ۶ ساعت پرواز کلیات می‌کند. خوشبختانه فاصله ها از بین رفته یا خیلی کمتر شده اند.

به لطف نر آوری اطلاعات و ارتباطات، هر روز در جریان اخبار ایران قرار می‌گیرم، هر روز مقداری ویرگری می‌کنم و خصوصا به مقاله وبلاگستان فارسی سری می‌زنم و به این ترتیب اطلاعاتی را در ایران هستم.

تا اینترنت هستی و دوستان فعالی چون شما، کسانی که دور از ایران هستند، می‌توانند همیشه خود را .هر چند به طور مجازی .در ایران ببینند. اخیرا هم از برنامه زمین گوگل برای مکان یابی استفاده می‌کنم. هر چند کیفیت تصاویرش از ایران خوب نیست، با این

# حقوق بخوانید تا از حقوق خود آگاه شوید

حال از طریق این برنامه به ایران، لرستان، تخت جمشید، دماوند، زاگرس، گرین و … پرواز می‌کنم.

در مورد شباهت خیابانهای اینجا وایران، باید بگویم شهرسازی و معماری اینجا با ایران بسیار متفاوت است؛ اما با این وجود، حال و هوای برخی از خیابانها و کوچه ها در بندر ماریس مرا به یاد خرم آباد می‌اندازد.

سوال - علوم انسانی هیچگاه علوم ثابت و پایداری نبودند و هیچگاه نیز هیچ نظریه ی مطلقى را در علوم انسانی نمی‌توان تایید کرد در حالی که در علوم محض مانند ریاضی دو به علاوه ی دو همواره مساوی است با چهار و هیچ بنی و بشری نمی‌تواند این را رد کند در حالی که نظریات علوم اجتماعی و انسانی، حقوق، فلسفه، ادبیات و علوم ارتباطات را هزاران نفر به هزاران شکل تحلیل و استنباط می‌کنند و نظر خاص خودشان را می‌دهند. شما این خاصیت را چگونه تحلیل می‌کنید؟

خوب، این ویژگی علوم اجتماعی است. بحث در خصوص آن مجالی مفصل میطلبد. در علوم طبیعی، صحبت از ”قرضیه“ است، بنابراین آنجا هم اصولی قطعی وجود ندارد، قوانینی که در علوم وجود دارند، در شرایط مورد آزمایش صدق می‌کنند ولی اگر شرایط عوض شوند آیا باز این قوانین صادق هستند؟

در مورد علوم اجتماعی، اصولا نمیشود پدیده های اجتماعی را به آزمایشگاه برد، از مواد و قوانینی برای آنها مقعر داشت؛ به علاوه، پدیده ها و شرایط همواره در تغییر هستند. برای مثال، در همین رشته حقوق، زمانی قانونگذار قانونی رای یک مساله اجتماعی وضع می‌کند، اگر آن مساله عوض شود، قانون باید منطبق با شرایط جدید اصلاح یا باز نویسی شود و گرنه به اصطلاح، قانون متروک میشود.

مساله مطلق نبودن نظریات در علوم اجتماعی لطف خاصی دارد. اگر در زمینه ای قانون و نظریه خاصی وجود میداشت، دیگران شاید نمیتوانستند در آن زمینه نظر دیگری بدهند. پلورالیسم تا حدودی تولد خود را از همین مطلق نبودن قوانین و نظریات در علوم اجتماعی می‌یابد.

سوال - با توجه به مشاغل علمی و تحصیلی تان در سوربون، وبلاگ هم می‌نویسید و ساعاتهای بسیاری در اینترنت آن لاین هستید. این تقسیم زمانی را چگونه انجام می‌دهید؟

من خیلی به اینترنت علاقه و عادت دارم. پایان نامه دوره داأ(D.E.A) را با عنوان ”رای الکترونیک از راه دور“نوشتم، یعنی آیا میتوان از طریق اینترنت رای داد؟ رساله دکترایم هم ”دوباره سازماندهی دموکراسی در عصر اطلاعات“ است یعنی اینکه تاثیرات عصر اطلاعات بر دموکراسی به اندازه ای است که باید دست به کار ایجاد تحولات بنیادین در دموکراسی شد. انجام این دو رساله نیازمند شناخت فراوانی از اینترنت است. برای یافتن منابع مربوط به رساله دکترایم، هر روزه ساعت ها روی وب می‌گردم. امروزه منابع علمی زیادی در اینترنت وجود دارد. یکی از فلاسفه ارتباطات می‌گوید عصر اطلاعات، همانند دوره قبل از آن نیست که لزوما باهوش تر، پاساودار باشد بلکه امروزه هوش در شبکه است و پاساودتر کسی است که بیشتر از دیگران مسلط بر ابزار اینترنت و آیین استفاده و کاربری از آن باشد.

از این رو، نمی‌توان در عصر اطلاعات و ارتباطات زندگی کرد و دور از ابزارهای آن بود. همه به این ابزار روی آورده اند، تفاوت در کمیت و کیفیت بهره بردن و بهره رساندن است. به باور من استفاده ای در حد ایمیل و چت و فرانت مطالب سایت ها در حکم سواد خواندن و نوشتن است. باید سوادى بیشتر از خواندن و نوشتن داشت و از قوه اینترنت استفاده های زیادتى کرد. من شخصا تلاش می‌کنم از قوه اینترنت، حداکثر استفاده را بکنم.

سوال - سایتهای حقوقی بسیاری را به چند زبان راه اندازی کردید و اداره می‌کنید. کمی از انگیزه ی خودتان توضیح بدهید و اینکه معمولا چه قدر وقت صرف به روز کردن محتویات این سایتهای می‌کنید؟

وقتی به فرانسه آمدم، همانند بسیاری از دانشجویان حقوق، CD حاوی مجموعه قوانین به همراه آورده بودم. وقتی در فرانسه رایانه خریدم و خواستم CD را نصب کنم، با مشکل مواجه شدم، نصب آن مستلزم نصب ویندوز عربی بود.

برای این کار باید ابتدا ویندوز فرانسه را پاک می‌کردم، آنگاه ویندوز انگلیسی نصب کرده و سپس روی ویندوز انگلیسی ویندوز عربی نصب می‌کردم!ا کار دشواری بود، متاسفانه نتوانستم انجام بدهم، وسط کار ایراد می‌گرفت.

از بهره بردن از آن CD تااینجا ۳۵۵ روز گذشت. کار من در آن زمان اینترنت را می‌گشتم و سایت های حاوی مطالب حقوقی یا قوانین را پیدا کرده و استفاده می‌کردم. سایت های زیادی نبودند و متاسفانه محتوای زیادی هم نداشتند، این شد که بران شدم سایتی برای بر کردن این خلاء تأسیس کنم.

در آن زمان از خرید نام دامنه و فضا و طراحی صفحات و FTP هیچی نمیدانستم. از صفر شروع کردم، ابتدا نام hoghogh.com را خریدم، آنگاه فضا گرفتم و بعد شروع کردم به کار با Frontpage. به اندازه ای به انجام کار اصرار داشتم که برخی اوقات بیشتر از بی ساعت جلوی رایانه بودم و اصلا متوجه گذشتن زمان و … نبودم، همانند روایتی بودم که جلوی رایانه نشسته و مساله را حل نکرده اتا ترک نمی‌کند. به هر حال، طراحی صفحات را با زبان HTML و دستورات HTML و CSS تنظیم کردم. مدتی به ویرگری اختصاص دادم و نتانستم فهرست نسبتا مناسبی از منابع حقوقی آنلاین برای سایت حقوق ایجاد کنم.

بالاخره پس از پشت سر گذاشتن مشکلات، سایت را ایجاد کردم. دوستانی که بازدید می‌کردند، ایمیل می‌فرستادند و تشکر می‌کردند و بعضا هم مقاله برای انتشار ارسال می‌داشتند. یک خاطره را از شروع فعالیت سایت ذکر می‌کنم؛ چند روز از شروع به کار سایت نگذشته بود که یک آقای بی‌ساله فرانسوی برایم ایمیل زده بود و نوشته بود که از سایت حقوق بازدید کرده و دنبال منابعی در حقوق ایران می‌گشت. این آقا سالفاد را ایران زندگی کرده بود و زبان فارسی را با تسلط کامل صحبت می‌کند. ایشان اولین ترجمه فرانسوی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را توسط انتشارات هرتان در فرانسه منتشر کرد.

بعد از اینکه سایت فارسی حقوق http://www.hoghogh.com/ مستقر شد، دست به کار تأسیس سایت انگلیسی حقوق شدم.

برخی از حقوقدان های خارجی همواره ایمیل می‌فرستادند و دنبال ترجمه انگلیسی برخی از قوانین ایران بودند، این بود که سایت انگلیسی حقوق http://www.iran-law.com/ را تأسیس کردم و ترجمه هادی انگلیسی قوانین ایران را در آنجا منتشر کردم.

مدتی بعد، یکی از حقوقدانان محترم ایرانی ساکن پاریس به نام خانم دکتر افسانه خاکیور که به تازگی با سایت حقوق آشنا شده بود، با من تماس گرفت و نسبت به این سایت ابراز محبت کرد. به ایشان پیشنهاد همکاری برای راه اندازی قسمت فرانسوی سایت حقوق دادم. ایشان علیرغم مشغله های فراوان کاری، قبول زحمت کرد و با هم سایت فرانسوی حقوق http://www.droit.com/ را راه اندازی کردیم. مدتی بعد، ایشان سایتی اختصاصی برای خود تأسیس نمود و اداره کامل سایت فرانسوی حقوق را خود عهده دار شد. مطالب و متون در کمیت نسبتا مناسب گردآوری کرده و سایت را منتشر کردم.

آنگاه سایت حقوقدان http://www.hoqooqdan.com/ را برای معرفی حقوقدان ایرانی راه اندازی نمودم. این سایت، بر اساس تقسیم بندی رشته ها و گرایش های حقوق تنظیم شده است که نام و مشخصات و شرح حال حقوقدانان متخصص در هر گرایش حقوق در زیر تخصص مربوطه می‌آید.

مدتی بعد نشریه الکترونیک حقوق http://www.hoqooq.net/ را تأسیس کردم، این نشریه را از مدتها قبل تأسیس کرده بودم ولی عملا و رسما آنرا از بهار امسال در شبکه حقوق قرار دادم. این نشریه به انتشار مقالات حقوقی می‌پردازد. هر حقوقدان یا دانشجوی حقوق می‌تواند عضو سایت این نشریه شود و در محیط خصوصی سایت، به نگارش مقاله خود بپردازد و همانجا با زدن کلمه ای در خواست انتشار مقاله اش را بنماید.

**بقیه در صفحه‌ی ۶**